

خیلواکی



استقلال

www.esteqlaal.net

شنبه ۱۴ جنوری ۲۰۲۳

شاه همایون احمدزی

نگاهی به مقاله داکتر محمد حسن شرق

در مورد قضیه عبدالملک خان عبدالرحیم زی

(قسمت دوم)

گرچه در قسمت گذشته به استناد فرامین دولتی، جراید و روزنامه های آنوقت در قضیه برکناری و زندانی شدن مرحوم عبدالملک خان عبدالرحیم زی تحلیل مختصری صورت گرفت، ولی در این فصل موضوع یاد شده را متکی به احکام و مواد قوانین نافذۀ وقت و نظریات مؤرخین در اینمورد تحت مطالعه و بررسی مفصل تری قرار میدهیم و در مقایسه با نظریات داکتر صاحب شرق بررسی مینمائیم که آیا اسناد فوق الذکر با نظریات داکتر صاحب مطابقت دارند یا خیر؟

(بخش اول)

موضوع برطرفی وزیر و شماری از مامورین وزارت مالیه

به ساعت (۸) شام تاریخ (۱۴) سرطان ۱۳۳۶ (د باختر آژانس) خبر آتی را از طریق امواج رادیو کابل و سپس روزنامه ها و جراید دولتی در مرکز و ولایات پخش نمود:

«کابل – قراریکه از صدارت عظمی اطلاع گرفته ایم در اثر ایجاد کارشکنی ها و عدم نظم که در امور وزارت مالیه بظهور پیوسته، شاغلی عبدالملک از عهده وزارت مالیه برطرف و همچنان در نتیجه عمل رشوت ستانی روز افزونی که درین اواخر از طرف یکعده مامورین آنوزارت و موسسات مربوط آن بعمل آمده است و سبب انزجار اذهان عامه مردم شده است (حکومت به این نتیجه رسید) که باید بیش ازین به همچو اشخاص موقع داده نشده و یک آن اولتر دست شان از کار کشیده شود. لذا شاغلی عبدالملک از عهده وزارت مالیه منفک و هم یکعده مامورین وزارت مالیه که درین امر مسئولیت دارند، از کار بر طرف شدند. قضیه تحت تفتیش و تحقیق گرفته خواهد شد» [روزنامه انیس یوم پنجشنبه تاریخ (۱۹ سرطان ۱۳۳۶) شماره (۸۸) نمبر مسلسل (۸۵۱۷)]

به ساعت ده شب شنبه تاریخ (۱۴ سرطان ۱۳۳۶) یعنی شب عرفه، فرمان صدارت مبنی بر معزولیت وزیر مالیه توسط میر عبدالعزیز خان والی وقت کابل به وی (عبدالملک خان) تسلیم داده شد.

(فرمان صدارت عظمی)

نمبر (۲۴۷۸)

تاریخ ۱۳۳۶/۴/۱۴

ع، ج عبدالملک خان وزیر مالیه!

در اثر ایجاد کارشکنی ها و عدم نظم که در امور وزارت مالیه که درین اواخر بظهور پیوسته و همچنان در نتیجه عمل رشوت خواری شدید و روز افزونیکه در زمان شما از طرف یک عده مامورین آنوزارت و موسسات منسوب به آن بعمل آمده و سبب انزجار اذهان عامه مردم شده است به این نتیجه رسیدم که دیگر شخص شما اهلیت این عهده را ندارید و بنابراین در اثر فرمان نمره (.....) حضور ملوکانه به شما ابلاغ میشود که از تاریخ این امر خود را از کرسی وزارت مالیه بر طرف بشناسید، همچنان در مورد کار های مامورین مسئول تفتیش بعمل خواهد آمد و هر کدام مطابق نتایج تحت محاکمه گرفته خواهند شد.

محل امضای

سردار محمد داؤد خان

صدر اعظم

عبدالملک خان بعد از تسلیمی و مطالعه فرمان فوق، یادداشت آتی را به قلم خود شان در تحت فرمان نوشتند:
«ساعت ۱۰ بعد الظهر روز شنبه ۱۴ سرطان ۱۳۳۶ این فرمان بذریعه میر عبدالعزیز خان والی کابل که با خود بختیار گل خان تولیمشر (تورن نویسنده) پولیس را همراه داشت به من تسلیم داده شده.
شفاهاً پیغام والاحضرت صدراعظم را به این عنوان: که الی امر ثانی از خانه هم برآمده نمیتوانید نیز به من تبلیغ نمودند. نتیجه چهارساله مساعی شب و روز مرا یکی از افراد حاکمه بشر چنین داد.
اما چون قدرت حقیقی در دست توانای ذات دیگری است انشاءالله عنقریب حق و باطل معلوم شده حق بجایش تقرر خواهد گرفت. من که به سابقه کار میبینم، خورد ترین تأثیری درین آن بدلم راه ندارد. میگویند حساب پاک را چه پاک».

اسامی برطرف شدگان در وزارت مالیه:

«کابل ۲۱ سرطان: قراریکه از وزارت مالیه اطلاع گرفته ایم مامورین آتی الذکر در اثر سوء اجراءات و عمل رشوت ستانی که از آنها به مشاهده رسیده از تاریخ (۱۹ سرطان) از وظایف شان برطرف شده اند:
شاغلو عزیز الله معین وزارت مالیه، میر عزیز الله رئیس محاسبات، محمد آصف رئیس واردات (عواید نویسنده)، غلام محمد بابری رئیس اقتصادی، فقیر محمد مدیر قلم مخصوص، محمد نسیم شالیزی مدیر عمومی گمرکات،

قوماندان انسداد قاچاق، آمر استخبارات، آمر کمیساری و مراتب بندرها و همچنان محمد رفیق لغمانی معاون فنی سیلو نیز از وظیفه اش برطرف گردیده است. قرار معلوم در مورد کارهای نفری فوق تفتیش و تحقیق بعمل خواهد

آمد و مطابق نتایج آن محاکمه خواهند شد» [روزنامه انیس شماره (۸۹) تاریخ ۲۱ سرطان ۱۳۳۶ نمبر مسلسل (۸۵۱۸)]
در این مورد میر عنایت الله سادات پسر میر عزیزالله سادات رئیس محاسبات وزارت مالیه (دوره عبدالملک خان) در صفحه (۱۱۵) کتاب شان بنام (افغانستان سرزمین حماسه و فاجعه - بن جرمنی ۱۹۹۹) معلومات بیشتری را ارائه مینماید:

۱- میر عزیز الله سادات رئیس محاسبات به زندان برده نشد، بلکه الی ختم صدارت محمد داؤد خان رسماً به حالت اسارت در منزل بسر میبرد، خانه ای وی همه روزه از جانب موظفین ریاست ضبط احوالات جداً مراقبت میشد.
۲- عبدالغفور اعظمی مستوفی ولایت کندهار زندانی نشد، اما از کار برطرف شد و سالهای زیاد محکوم به بیکاری بود.

۳- محمد حسین غمین معاون ریاست انحصارات دولتی.

۴- خواجه عبدالقیوم خان رئیس گمرک ولایت کندهار علاوه از برکناری به اتهام همکاری و دست داشتن در کودتا زندانی هم شد.

۵- میر عبدالوهاب سابق رئیس تهیه.

۶- دگروال عبدالغفورخان.

[مهرین، نصیر، کودتا ها در تاریخ افغانستان انتشارات میوند چاپ اول ۱۳۹۰ صفحه (۸۲)]

قابل ذکر است که همه این برطرفی ها بدون حکم محکمه صورت گرفته و نیز شماری زیادی از مامورین صادق و وطن دوست که اسمای شان در جمله معزولین این قضیه از طریق رادیو و مطبوعات آن وقت (۱۳۳۶ش)، نشر نشده به عین شکل از وظایف شان برکنار و حتی تعدادی از آنها زندانی هم شده بودند، مانند نادرعلی خان جاغوری رئیس کوپراتیف ها، غلام حیدرخان پنجشیری رئیس انحصارات دولتی، احمدالله خان کریمی رئیس دیپوی تعاونی، شهید میرعلی اصغرخان شعاع رئیس تفتیش وزارت مالیه، عبدالرحیم خان چینزائی مدیر قلم مخصوص قبلی و تعداد دیگری که نویسنده تا لحظه نوشتن این مقاله به دریافت لست مکمل نام های شان موفق نگردیده ام. باید علاوه نمود که محمد آصف خان پوپل رئیس واردات (عواید) وزارت مالیه و احمدالله خان کریمی بخاطر اینکه بعد از نشر خبر عزل عبدالملک خان بتاريخ (۱۵ سرطان ۱۳۳۶) که ورود دوستان به منزل جناب عبدالرحیم زی هنوز منع نشده بود، با عبدالملک خان ملاقات نموده بودند، علاوه از طرد ماموریت رسمی به توقیف هم کشانیده شدند.

بتاریخ (۱۵ سرطان ۱۳۳۶) عبدالملک خان وزیر مالیه اسبق طی معروضه ای که به حضور اعلیحضرت پادشاه وقت ارسال نموده بود خواهان عدالت گردیده و درخواست کرده بود تا اتهامات وارده علیه وی که در متن فرمان صدارت عظمی درج شده بود طبق احکام قانون اساسی وقت به پارلمان و در نهایت به محکمه خاص محاکمه وزراء (دیوان عالی) ارجاع گردد. [عبدالرحیم زی، عبدالملک، ارمنان زندان صفحات (۱۹۱-۱۹۲) و صحبت مرحوم عبدالملک خان با نویسنده]

تحلیل و ارزیابی متن فرمان صدارت و اعلامیه حکومت در مورد برکناری وزیر و شماری از مامورین وزارت مالیه

مقدمه: اسباب عمده برکناری وزیر مالیه ایجاد کار شکنی ها و عدم نظم در امور وزارت مالیه وانمود و مامورین معزول آن وزارت به سوء اجراآت و رشوه ستانی شدید و روز افزون متهم گردیده بودند، ولی کوچکترین سند یا دلیل قانونی ایکه ثابت کننده ادعای فوق شده بتواند در متن فرمان و اعلامیه ای منتشره حکومت ارائه نشده و اتهامات وارده در سطح یک ادعای بدون ثبوت و بدون سند به ملاحظه میرسد. در حالیکه هر ادعا مستلزم ثبوت بوده و هیچ ادعای بدون اثبات و بدون سند قانونی، دلیل مدار حکم شده نمیتواند از مطالعه دقیق بند اخیر فرمان صدارت و خبر منتشره در همین باره ثابت میگردد که الزامات علیه وزیر و مامورین برطرف شده وزارت مالیه، قبل از تحقیق و قبل از صدور حکم قطعی محکمه با صلاحیت وارد شده و صدر اعظم وقت (سردار محمد داؤد خان) با همین اتهامات بدون ثبوت در حالیکه وزیر و مامورین فوق الذکر در حالت اصلی (برائت ذمه) قرار داشتند، ایشان را به فرامین صدارت عظمی (بر وفق صلاحیت قانونی صدر اعظم) عزل نموده بود.

ماده (۸۶) اصولنامه مامورین ملکیه آنوقت چنین مشعر بود:

«مجازات اداری که عندالایجاب در باره مامورین تطبیق میگردد، قرار آتی است:

الف - اخطار، ب - قطع معاش، ج- تنقیص قدم، د- تعطیل ملازمت، ه - طرد ماموریت.

این جزا بدو دسته تقسیم میشود. قسمت اول که عبارت از اخطار، قطع معاش و تنقیص قدم باشد، بدون محاکم از طرف آمرین اداره داده میشود.

قسمت دوم که عبارت از تعطیل ملازمت و طرد ماموریت (برکناری از وظیفه نویسنده) است بموجب تحقیقات اصولی از طرف محاکم اجرا میگردد»

طبق ماده فوق عزل هیچ مامور دولت، بدون تحقیقات اصولی و بدون حکم محکمه با صلاحیت جواز نداشته و به صدر اعظم و هیچ مقام دیگری در هیچ قانونی به جز محکمه چنین صلاحیت تفویض نگردیده بود.

درینجا لازمست تا صلاحیت های مقامات در تقرر و تبدل وزراء و مامورین ملکیه طبق قوانین نافذه آنوقت توضیح گردد:

۱- تقرر و تبدل وزراء زمانی صورت میگرفت که طبق ماده (۷۳) قانون اساسی توسط صدر اعظم پیشنهاد و به اساس ماده (۷) همین قانون توسط پادشاه منظور میشد.

۲- عزل وزراء در صورت خلاف ورزی در وظیفه به اساس مواد (۷۹ و ۹۵) قانون اساسی بعد از صدور فیصله (دیوان عالی) طبق ماده (۷) همین قانون توسط مقام سلطنت.

۳- در مورد تقرر، تبدل و ترفیع سایر مامورین ملک، ماده (۸) اصولنامه مامورین ملکیه آنوقت چنین حکم مینمود:

الف- مامورین رتبه اول و دوم به پیشنهاد وزارت مربوطه و تصویب مجلس عالی وزراء و منظوری حضور اعلیحضرت همایونی.

ب- مامورین رتبه (۳) و (۴) و (۵) بانتخاب وزارتخانه و ریاست مستقله منسوبه و منظوری صدارت عظمی. حسب ماده فوق به صدراعظم وقت، صلاحیت تقرر و تبدل یا ترفیع مامورین بالاتر از رتبه سوم اعطا نشده بود، ولی طبق اعلامیه های تاریخی (۱۴ و ۱۹ سرطان ۱۳۳۶) حکومت وقت اشخاص آتی الذکر، بدون تحقیقات اصولی و بدون محاکمه به فرامین صدارت عظمی از وظایف شان برطرف شده بودند:

- ۱- عبدالملک خان در بست خارج رتبه (وزیر مالیه).
- ۲- عزیزالله خان در بست فوق رتبه (معین وزارت مالیه)
- ۳- محمد آصف خان پوپل در بست رتبه اول (رئیس واردات یعنی عواید)
- ۴- غلام محمد خان بابری در بست رتبه اول (رئیس اقتصادی)
- ۵- فقیر محمد خان فگار معالجه در بست رتبه چهارم (مدیر قلم مخصوص)
- ۶- محمد نسیم خان شالیزی در بست رتبه سوم (مدیر عمومی گمرکات)
- ۷- محمد رفیق خان لغمانی در بست رتبه دوم (معاون فنی سیلو)
- ۸- عبدالغفور اعظمی در بست رتبه اول (مستوفی ولایت کندهار)
- ۹- محمد حسین غمین در بست رتبه دوم (معاون انحصارات دولتی)
- ۱۰- خواجه عبدالقیوم خان در بست رتبه دوم (رئیس گمرک ولایت کندهار)
- ۱۱- میر عبدالوهاب در بست رتبه اول (رئیس تهیه)

هرگاه اتهامات فوق الذکر حقیقت میداشت، لازم بود تا در قدم اول طبق احکام قوانین نافذه، وزیر مالیه و سایر مامورین متهم الی صدور حکم قطعی محکمه، به حالت تعلیق قرار داده میشدند و تحقیق اتهامات منسوبه نظر به ماده (۸۲) قانون اساسی وقت توسط هیئات تفتیشه مسلکی مشتمل بر متخصصین امور مالی، اقتصادی و حقوقی صورت میگرفت.

ماده (۸۲) اصولنامه اساسی (۸ عقرب ۱۳۱۰ - ۹ میزان ۱۳۴۳) چنین حکم مینمود:

«برای تفتیش احوال عمومیه وزراء و مامورین یک هیئت تفتیشه به استیذان حضور شاهانه مطابق لایحه مخصوصه آن از شورای ملی تعیین و انتخاب میشود.»

چون وزراء طبق ماده (۷۶) قانون اساسی فوق الذکر نزد شورای ملی مسئول شناخته میشدند لازم بود تا چنین اتهامات که طبق ادعای جناب صدر اعظم (سردار محمد داؤد خان) سبب انزجار اذهان عامه نیز شده بود، باید از طرف پارلمان کشور مطرح میگردد در حالیکه چنین نبوده و همه اجراءات وزیر مالیه (عبدالملک خان) تا آخرین روز کارش، طرف تائید پارلمان کشور قرار گرفته و حتی تقدیر و تمجید هم شده بود و همچنان از اجراءات مامورین برکنار شده وزارت مالیه هیچگونه شکایتی در شورای ملی وجود نداشت. [مجله شوری شماره های سنبله ۳۵ الی ۱۴ سرطان ۱۳۳۶].

کنون لازمست تا چگونگی اتهامات وارده علیه وزیر و مامورین وزارت مالیه در پرتو عملکردها و اجراءات ایشان به استناد قوانین نافذه و اخبار منتشره در جراید و روزنامه های دولتی آنوقت ذیلاً مورد تحلیل و ارزیابی قرار گیرد:

۱- اتهامات ادعا شده علیه وزیر مالیه (ایجاد کارشکنی ها و عدم نظم در امور وزارت مالیه):

کارشکنی در لغت به معنی اخلال در امر، موانع برای پیشرفت کاری ایجاد کردن یا مانع شدن از پیشرفت کار، مانع ها به چاره و حيله برای پیش نرفتن کار کسی بکار بردن. [دهخدا، علی اکبر، فرهنگ دهخدا صفحه ۱۹۷۱].

از نگاه اداره کارشکنی یعنی (تخریب و سبوتاژ) و ایجاد موانع عمدی در برابر پیشرفت کار تا اداره نتواند به اهداف مطروحه قانونی خود نایل آید یا آنرا تحقق بخشند.

عدم نظم در دو حالت ذیل بظهور پیوسته میتواند:

- عدم موجودیت قواعد، اصول یا قانون و سایر اسناد تقنینی مربوط.

- عدم تطبیق قوانین یا قواعد فوق الذکر.

الف - بررسی اتهام (ایجاد کارشکنی ها)

قبل از بررسی اتهام کارشکنی، ایجاب مینماید تا اهداف و وظایف وزارت مالیه در پرتو اسناد تقنینی مربوط به وزارت مالیه وضاحت داده شود و سپس تحقق یا عدم تحقق آن متکی به اجراءات آنوزارت، مورد تحلیل و ارزیابی قرار گیرد.

ماده اول نظامنامه (قانون) تشکیل و وظایف وزارت مالیه چنین حکم مینمود:

وزارت مالیه تحت اداره وزیر مالیه وظایف ذیل را اجراء میدارد:

الف- تهیه منابع عایداتی برای مصارف خدمات عامه

ب- جمع آوری عایدات

ج- تنظیم اداره پولی و کریدیتی باسناد ایجابات منافع عامه

د- ترتیب بودیجه و تنظیم حساب قطعی

هـ - از نظر مالی مراقبه و کنترول بالعموم دوایر دولتی که با بودجه عمومی و یا ملحق اداره میشوند و موسساتی که کاملاً یا قسماً به سرمایه دولتی کار میکنند.

و- مراقبت شرکت های دارای امتیاز و موسسات عام المنفعه و خیریه از نظر مالی

ز- اجراء وظایف دیگری که بموجب اصولنامه ها و فرامین علیحده بوزارت مالیه محول میگردد.»

در مورد تحقق یا عدم تحقق اهداف و وظایف فوق الذکر و چگونگی اجراءات وزارت مالیه، بهتر است تا در قدم نخست، قسمتی از بیانیه تاریخی (اول سنبله ۱۳۳۵) جناب صدر اعظم وقت (سردار محمد داؤد خان) که بمناسبت سی و هشتمین سالگرد استرداد استقلال کشور ایراد و از امواج رادیو کابل نشر شده بود، تحت مطالعه قرار گیرد:

«..... وضعیت مالی و اقتصادی در ظرف سال اطمینان بخش بود... تزئید عواید ملی، اصلاح امور مالی، ترتیب مالیات و محصولات، کنترول مداوم دولت برای جریان منظم و معقول امور وارداتی و صادراتی، مراقبت جدی در امور اسعاری، استفاده از سیستم جدید حساسی، نظارت و رسیدگی به قیمت های اموال در مارکیت های داخل و خارج

ما را به هدف های ما نزدیکتر گردانید... بودجه عادی و سرمایه گذاری سال (۳۵) ثابت میسازد که بین مصارف و واردات (عواید نویسنده) تعادل کاملی وجود دارد و از نقطه نظر منابع مالی ما را نسبت به آینده امیدوار میگرداند و از جانیی ادامه سیر انکشافی بودجه را که بزرگترین معرفی کننده پیشرفت است، به اثبات میرساند..»

نتایج مثمر و امید بخش اجراءات وزارت مالیه، طوریکه فوقاً در بیانیه جناب صدراعظم وقت، طور مؤجز تبلور یافته بود، بعد از تاریخ (اول سنبله ۱۳۳۵) الی تاریخ (۱۴ سرطان ۱۳۳۶) یعنی تاریخ صدور فرمان صدارت مبنی بر عزل وزیر و یکعده مامورین وزارت مالیه، بدون کدام سکتگی به همان منوال ادامه یافته و در بسی موارد حتی بسوی اصلاح، بهبود و انکشاف بیشتر سوق گردیده بود. [روزنامه های اصلاح و انیس و جریده زیرمه (ثروت) وزارت مالیه شماره های مربوط برج سنبله ۳۵ الی نیمه سرطان ۱۳۳۶].

بمنظور جلوگیری از طوالت کلام، در اینجا چند مورد آن طور نمونه و مثال (مثت نمونه خروار) به شرح آتی ذکر میگردد:

۱- بودجه عمومی دولت (عادی و پلان انکشافی) و نیز بودجه تصدی های دولتی موافق به اصول علمی و بصورت متوازن در وقت و زمان معینه قانونی آن ترتیب و غرض طی مراحل اصولی به مراجع ذیصلاح تقدیم گردیده.

۲- حسابات قطعیه دولت مطابق ماده (۹۹) قانون اساسی وقت که متضمن حساب عواید و مصارف و خزاین بود، با در نظر داشت مواد (۱۰۰) و (۱۰۳) قانون محاسبات عمومی وقت در اثر جدیت و فعالیت شبا روزی مأمورین و نظم کاری و مدیریت سالم و فعال در وزارت مالیه، مدت پنج ماه قبل از موعد قانونی به مقامات عالیہ گسیل یافت.

۳- عواید دولت و همزمان تحصیل عواید به مقایسه سالیان قبل، افزایش قابل ملاحظه یافته و این امر ثابت میسازد که قوانین نافذه در اجراءات وزارت مالیه طور بلا استثنی تطبیق گردیده و نشان دهنده نظم، اداره، جدیت و وظیفه شناسی در آنوزارت میباشد.

۴- تأدیات مصارف وزارات و کلیه دوایر مرکزی و مستوفیت ها بابت بودجه عادی و بودجه انکشافی بدون قیود و تحمیلات (قبل از سال ۱۳۳۲) در وقت و زمان قانونی آن اجراء گردیده و در تأدیات داخلی پروژه وادی هلمند، وزارت مالیه موفق گردید که مبلغ بیشتر از (۸۳) ملیون افغانی را در ظرف یازده ماه تأدیہ نماید.

۵- اسناد مصارفاتی کلیه وزارات و دوایر مرکزی و مستوفیت های ولایات به شمول شعبات عسکری با تابلوی خزاین و لوايح موجودی نقدی و جنسی خزاین ولایات و حکومت های اعلی در وقت و زمان قانونی آن بوزارت مالیه موصلت ورزیده بعد از تدقیق و تطبیقات قانونی و حسابی حسب احکام قوانین نافذه به ریاست عالی دیوان محاسبات صدارت عظمی سپرده شد.

۶- در بخش انسداد قاچاق نیز اجراءات مؤثری بعمل آمده و چندین قلم اموال قاچاقی دستگیر و قضایای مربوطه آن تحت تحقیق گرفته شده.

۷- بمنظور همگام ساختن امور وزارت مالیه به ایجابات عصر و زمان، تدقیق دایمی قوانین و تعلیماتنامه های مربوط وزارت مالیه و مطالعه مشکلات وارده از نقطه نظر تطبیق و تفسیر اسناد تقنینی مذکور و در صورت ضرورت تدوین و تسوید قوانین جدید یا تعدیل اسناد تقنینی نافذه و سایر امور علمی مرتبط به کار وزارت مالیه، کمیته

متخصصین مرکب از ارباب دانش و تجربه تشکیل گردید و امور محوله را مطابق لایحه وظایف تحت مطالعه قرار داد.

۸- احصائیه عواید و مصارف و قروض داخلی و خارجی دولت و سایر احصائیه های مرتبط به وزارت مالیه مطابق اساسات و موازین علمی ترتیب و بصورت رساله جداگانه و همچنان در جریده ثروت به نشر رسید.

۹- بمنظور بلند بردن سطح دانش و آگاهی مسلکی مأمورین و کارمندان وزارت مالیه، کنفرانس ها و کورس های آموزشی دایر گردیده و عده زیادی از مأمورین بکلوریا، فارغ التحصیلان (مکتب عالی مالی) وزارت مالیه و مأمورین لیسانسه انوزارت جهت فراگیری علم و کسب تخصص در شقوق مختلفه مالی جانب اروپا و امریکا اعزام شدند.

{پیوست شماره ۱، اجمال اجراءات وزارت مالیه از سنبله سال ۱۳۳۵ الی ۱۴ سرطان ۱۳۳۶}

ب- بررسی اتهام (ایجاد عدم نظم در امور وزارت مالیه):

طوریکه قبلاً تذکار یافت، نخستین علت ظهور بی نظمی، پراگندگی و خودسری در یک اداره، عدم موجودیت قواعد، اصول و قوانین جهت تنظیم امور شمرده میشود. اما در دوره کاری عبدالملک خان عبدالرحیم زی بحیث وزیر مالیه بیشتر از (بیست و پنج) سند تقنینی مهم و ضروری جهت بهبود و انسجام امور مالی کشور تدوین و پس از طی مراحل قانونی نافذ و در معرض اجراء و تطبیق قرار گرفت، مانند قانون محاسبات عمومیه، قانون موازنه بودجه، نظامنامه تشکیل و وظایف وزارت مالیه با لوايح مربوط، تعلیماتنامه محاسبه به سیستم جدید (مضاعف) و چندین سند تقنینی دیگر که در نتیجه آن امور مالی شفافیت، نظم و مؤثریت بی سابقه ای یافته و وزارت مالیه به اهداف و پیشرفت های نایل آمد که در تاریخ مالی و حسابی کشور خیلی متبارز شناخته میشود.

اگر عدم نظم ادعا شده در متن فرمان صدارت، علیه وزیر مالیه حقیقت میداشت پس وزارت مالیه چگونه توانست حساب قطعی را که سند مهم حسابی دولت شمرده میشود و شامل حسابات عواید، مصارف و خزاین دولت میگردد، مدت پنج ماه قبل از موعد قانونی آن به مجلس عالی وزراء تقدیم نماید که پس از غور و تحقیق هیئات کابینه بتاریخ (۱۹ حمل ۱۳۳۶) به تصویب رسید و در چنین حالت چگونه امکان پذیر بود تا وزارت مالیه یک بودجه متوازن و قانونمند را مطابق اصول علمی ترتیب، احضار و به مقامات ذیصلاح ارائه بدارد؟

علاوه بر آنچه گفته آمد، در چنان عدم نظمی که در متن فرمان جناب صدر اعظم ادعا شده، مصارف دولت بابت بودجه عادی و پلان انکشاف اقتصادی کشور چگونه در وقت و زمان قانونی آن تمویل و تادیه گردید؟ و نیز اسناد حسابی کلیه وزارتخانه ها، دواير مرکزی و مستوفیت های ولایات و حکومت های عالی چگونه بر طبق موازین قانونی و حسابی در وزارت مالیه بررسی و تطبیق گردیده و به دیوان عالی محاسبات صدارت عظمی سپرده شد؟

نقطه قابل دقت اینست که ایجاد کار شکنی ها و عدم نظم در دستگاه مالی کشور، بالای چگونگی فعالیت های تمامی ادارات دولتی بصورت مستقیم تأثیر نموده و عدم موجودیت امکانات مالی، باعث عقب مانی، سکتگی و حتی فلج

شدن کار های ادارات متذکره میگردید، روی دلایل فوق نزد منورین، روشنفکران و همه ملت افغانستان سوالات آتی بوجود آمده بود:

۱- وزیر مالیه (عبدالملک خان) که ابتکارات و اجراءات بی سابقه اش از شاه تا به گدا زبانزد عام و خاص شده و وزارت مالیه را که پارلمان کشور (مرکز ریفورماسیون) دولت نامیده بود و همچنان جناب صدر اعظم وقت (سردار محمد داؤد خان) در گزارش ها و بیانیه های شان به مناسبت های مختلف از حسن اجراءات آنوزارت به تقدیر و نیکوئی یاد نموده بودند، روی چه دلیل و انگیزه ای (بعد از سنبله ۱۳۳۵ - الی ۱۴ سرطان ۱۳۳۶)، دفعتاً به یکصدو هشتاد درجه تغییر نموده و وزیر مالیه، طبق ادعای حکومت وقت به تخریب کاری، سبوتاژ و ایجاد کارشکنی و عدم نظم در امور وزارتتس مبادرت ورزید؟

۲- نتایج کارشکنی ها و عدم نظم که جناب صدر اعظم مدعی آن بودند، طوریکه فوقاً ذکر شد، بدون شک به اجراءات و فعالیت های کلیه ارگان های دولتی تاثیر مستقیم داشته میتوانست و اگر واقعاً چنین بود، پس کدام سکتگی و عقب مانی در امور دولتی رونما گردیده و پس از برکناری عبدالملک خان و تقرر وزیر جدید (عبدالله خان ملکیار) کدام تدابیر عاجل و چه نوع اصلاحاتی غرض رفع تاثیرات منفی این سبوتاژ و بی نظمی ادعا شده، توسط حکومت روی دست گرفته شد؟

بنأ ملت با علاقمندی زیاد منتظر بود تا پاسخ سوالات فوق شانرا در بیانیه های صدر اعظم وقت (مرحوم سردار محمد داؤد خان) و اعضای کابینه وی که طبق معمول همه ساله در شب های جشن استقلال، گزارش یکساله اجراءات حکومت را به ملت ارائه مینمودند، دریابند ولی خلاف معمول هر سال، جناب صدر اعظم در بیانیه شان که در شب (اول سنبله ۱۳۳۶) از طریق امواج رادیو کابل وقت ایراد کردند، جز تذکر مختصر در مورد متهمین کودتای نام نهاد (۱۶ سرطان ۱۳۳۶) از توضیح وضع مالی و سایر مسائل مربوط به سیاست داخلی طفره رفته و صرفاً چگونگی سیاست خارجی حکومت را در طول یکسال گذشته شرح نمودند، همچنان وزیر مالیه جدید (عبدالله خان ملکیار) و وزیر عدلیه و کفیل وزارت داخله (سید عبدالله خان) به ایراد بیانیه حاضر نگردیدند، ولی در بیانات سایر وزراء، هیچ نوع سکتگی یا اختلالی در جریان امور گزارش نیافته، برعکس - پیشرفت ها و انکشافات مزیدی را که افغانستان طی یکسال (از سنبله ۱۳۳۵ الی سنبله ۱۳۳۶) در عرصه های مختلف به آن نایل شده بود و یقیناً که بدون امکانات مالی تحقق یافته نمیتوانست، بیان نمودند.

قابل ذکر است که عبدالله خان ملکیار وزیر مالیه وقت نیز هنگام توضیح بودجه سال (۱۳۳۶) بتاريخ (۲۲ اسد) همان سال، در جلسه عمومی شورای ملی، از کار شکنی و عدم نظم ادعا شده و نتایج آن بصورت مستقیم یا غیر مستقیم هیچگونه تذکری نداده و از اتخاذ هیچ نوع تدابیر در برابر چنین حالت ناگوار به پارلمان کشور گزارش نداد، بلکه بودجه را به همان شکلی که در زمان وزیر مالیه سابق (عبدالملک خان) ترتیب و (در جوزای ۱۳۳۶) به انجمن مالی و بودجه شورای ملی ارائه شده بود، به مجلس عمومی آن تقدیم نمود.

با شرحی که تا اینجا ارائه گردید، هیچگونه کارشکنی یا عدم نظمی در امور وزارت مالیه دوران عبدالملک خان عبدالرحیم زی به ملاحظه نرسیده و ادعا های مندرجه فرمان صدارت، علیه عبدالملک خان را تصدیق نمی نماید. از جانب دیگر هر گاه ادعاهای ذکر شده حقیقت میداشت، قانوناً اجراءات ذیل را ایجاب میکرد و در عدم آن چراهای آتی را در ذهن هر محقق باریک بین خلق مینماید:

۱- از آنجائیکه وزراء مطابق ماده (۷۶) قانون اساسی نافذ وقت از اجراءات شان در برابر شورای ملی مسئول شناخته میشدند، پس چرا وزیر مالیه وقت (عبدالملک خان) در زمان برحالی اش به اساس ماده فوق الذکر و نیز ماده (۶۱) همان قانون، توسط پارلمان کشور مورد استیضاح قرار نگرفت؟

۲- اگر حکومت در این مورد مدارک و شواهدی در دست داشت، چرا مطابق ماده (۸۲) قانون اساسی فوق، تعیین هیئات تفتیشیه را پیشنهاد نمود؟ و موضوع آنطوریکه در متن فرمان صدارت هم ذکر شده بود، قانوناً مورد تحقیق قرار نگرفت و غرض فیصله نهائی به محکمه ذیصلاح احاله نگردید؟

طوریکه فوقاً به تفصیل ذکر گردید، بعد از استعفای سردار محمد داؤد خان، حکومت بعدی از تاریخ (۱۰ حمل ۱۳۴۲) الی (۲۴ جوزای ۱۳۵۱) در مقاطع مختلف هر چند جستجو نمودند، در این مورد کوچکترین سند یا مدرک اثباتیه را دریافت کرده نتوانستند.

ج- بررسی اتهام سوء اجراءات و رشوت ستانی منسوب به یکعده مأمورین وزارت مالیه

در فرمان صدارت عظمی معنوی عبدالملک خان، دوره کاری وی بحیث وزیر مالیه (۱۳۳۲-۱۳۳۶) دوره رشوه خواری معرفی و یکعده مأمورین وزارت مالیه و موسسات منسوب به آن طبق خبر منتشره در شماره های (۱۹ و ۲۱ سرطان ۱۳۳۶) روزنامه انیس و سایر وسایل نشراتی دولت، بدون کدام تحقیق و بدون ارائه مدارک اثباتیه به سوء اجراءات و اخذ رشوه متهم گردیده بودند. اگر فرض شود که طبق ادعاهای جناب صدراعظم، دوره وزارت عبدالملک خان واقعاً دوره فساد و رشوه ستانی میبود، در اینمورد سوالات آتی عرض وجود مینماید:

۱- پس چرا بعد از اینکه مدت دو سال و پنج ماه و پنج روز از دوره کفالت عبدالملک خان در وزارت مالیه سپری شده بود، جناب صدراعظم از حسن اجراءات و صداقت او ستایش نموده و ترفیع وی را از کفالت به مقام وزارت عنوانی شاه وقت پیشنهاد نموده در نتیجه آن عبدالملک خان به اساس فرمان (۳۰۷۴ بر ۴۸۵۳) مورخ ۱۳۳۴/۱۱/۳ مقام سلطنت، بحیث وزیر مالیه تقرر حاصل نمود. اگر این ادعا حقیقت داشت، چرا عبدالملک خان در همان وقت از مقام وزارت مالیه سبکدوش نگردید و برعکس به پیشنهاد جناب صدراعظم از کفالت به مقام وزارت ارتقا و حتی امور وزارت اقتصاد هم به ایشان سپرده شد؟

۲- اگر به بیانیه های جناب صدراعظم خاصتاً در مواقع مختلفه ارائه گزارش اجراءات حکومت قبل از (۱۴ سرطان ۱۳۳۶) توجه شود، از پیشرفت های کاری ادارات مالی اظهار رضایت کرده و آنرا مایه امیدواری برای انکشاف آینده کشور دانسته اند که همه اتهامات وارده در متن فرمان صدارت را رد مینماید. اگر بالفرض چنین اتهامات حقیقت میداشت، پس روی چه دلیلی جناب صدراعظم در بیانات شان از آن ذکر نکرده و یا لا اقل فرمانی را در مورد جلوگیری و اصلاح نقایص یاد شده عنوانی وزارت مالیه صادر نمودند؟

۳- اگر فرض کنیم که وزیر مالیه نتوانسته بود که از رشوه و فساد ادعا شده جلوگیری کند، پس مقام صدارت عظمی چرا در این مدت طولانی چهار سال، در حالیکه بقول خود شان از این خلاف ورزی ادعا شده مطلع بودند، در برابر آن خاموشی و بی تفاوتی اختیار و موقع دادند که این عمل خلاف شریعت و قانون، به اساس ادعای مندرجه فرمان صدارت، با گذشت زمان شدیدتر شده و بطور روز افزونی گسترش یابد؟ آیا خاموشی و بی تفاوتی و عدم جلوگیری چنین عمل جرمی توسط مقام صدارت کشور، خود جرم شمرده نمیشود؟

۴- با موجودیت یک دستگاه طویل و عریض پولیسی و امنیتی در حالیکه طبق ادعای جناب صدراعظم، عمل رشوه ستانی طی چهار سال (۱۳۳۲ - ۱۳۳۶) در وزارت مالیه جریان داشت و مقام صدارت هم از آن مطلع بود پس چرا رشوه دهندگان، رشوه گیرندگان واسطه های آنها در این مدت طولانی طور بالفعل گرفتار نشدند؟

۵- مامورین بر طرف شده در وزارت مالیه، بدون کدام مدرک اثباتیه و قبل از اینکه در مورد اجراءات شان تفتیش یا تحقیقی صورت گرفته باشد، روی کدام اسناد یا دلایل قانونی توسط مقام صدارت عظمی به سوء اجراءات و عمل رشوه ستانی متهم میشوند و بدون حکم محکمه نیصلاح خلاف حکم ماده (۸۶) قانون مامورین ملکیه وقت به فرمان صدارت عظمی طور دایمی از وظایف شان منفک گفته میشوند؟ در حالیکه همین ماده قانون نافذ وقت صلاحیت عزل دایمی مامور (طرد ماموریت) را به محکمه نیصلاح تفویض کرده بود، نه به مقام صدارت عظمی.

۶- در حالیکه اتهام منسوب به شماری از مامورین برکنار شده وزارت مالیه هنوز ثابت نگردیده و طبق بند اخیر فرمان صدارت در مورد اجراءات شان کدام تفتیش و تحقیقی صورت نگرفته و حکم محکمه نیصلاح در زمینه وجود نداشته، روی کدام دلایل قانونی، اتهام بدون ثبوت فوق الذکر در فرمان صدارت عظمی یکی از اسباب بر طرفی عبدالملک خان شمرده شده بود؟

د- انزجار اذهان عامه مردم

در فرمان صدارت عظمی اتهامات وارده علیه وزیر و یکعده مامورین وزارت مالیه به شرحیکه فوقاً ذکر گردید، بدون ارائه دلایل و بدون ثبوت قانونی، سبب انزجار عامه مردم وانمود شده است. در حالیکه انزجار اذهان عامه در کشور های مختلف با در نظر داشت شرایط و ایجابات قانونی آنها به اشکال گوناگون مانند مظاهرات و اعتصابات، اظهار نظر در مطبوعات و رسانه های اطلاعات جمعی و یا اعتراض و سلب اعتماد وکلای ملت از حکومت در پارلمان کشور ظاهر میشود.

با توجه به سوابق این موضوع در آنزمان، در هیچ نقطه کشور هیچ نوع مظاهره یا اعتصابی که بخاطر سوء اجراءات یا رشوه ستانی ادعا شده در فرمان صدارت بوده باشد، صورت نگرفته و در هیچ روزنامه یا جریده یا وسایل نشراتی در مرکز یا ولایات کشور کدام مقاله یا اعتراضی قبل از (۱۴ سرطان ۱۳۳۶) در اینمورد به نشر نرسیده و علاوه بر آن طوری که فوقاً ذکر شد، کارشکنی ها و عدم نظم در امور وزارت مالیه سبب ایجاد سکتگی و حتی فلج شدن کلیه امور ادارات دولتی میگردد و قانوناً ایجاب مینمود تا در اینصورت وزیر مالیه، مورد استیضاح نمایندگان ملت در شورای ملی قرار گیرند. ولی به ملاحظه جراید دولتی خاصاً شماره های مجله شورای ملی (سنبله ۱۳۳۵ - ۱۴ سرطان ۱۳۳۶) در هیچ جلسه عمومی یا انجمن های مربوطه پارلمان وقت، چنین موضوع اصلاً شامل اجندای آنها

نیوده و در هیچ جلسه ای وزیر مالیه در موضوع فوق الذکر مورد استیضاح یا استجواب قرار نگرفته است. پس انزجار اذهان عامه مردم که حکومت مدعی آن بود، چگونه و در کجا رونما گردیده بود؟

س- بررسی ادعای جناب صدر اعظم مبنی بر عدم اهلیت وزیر مالیه

فرمان صدارت عظمی عنوانی وزیر مالیه وقت (عبدالملک خان) طوریکه فوقاً مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت، پس از وارد نمودن اتهامات بدون سند و بدون ثبوت علیه وزیر و یکعده مامورین وزارت مالیه چنین ادامه مییابد «..... به این نتیجه رسیدیم که بیش از این دیگر شخص شما اهلیت این عهده را ندارید.....» با مطالعه و ارزیابی دقیق دوره کاری عبدالملک خان بحیث وزیر مالیه و نتیجه گیری فوق الذکر جناب صدر اعظم، سوالات آتی قابل غور و تأمل عمیق دانسته میشود:

۱- از آنجائیکه وزارت مالیه یک اداره کاملاً مسلکی دولت شمرده میشود، در صورت وجود سکتگی و عقب مانی مشهود در امور آن وزارت، قانوناً ایجاب مینمود تا شورای ملی وقت نظر به حکم ماده (۸۲) قانون اساسی نافذ آن زمان، هیئات تفتیشیه با صلاحیت و مسلکی مرکب از متخصصین، اهل خبره و ارباب تجربه و دانش در امور مالی و اقتصادی را غرض بررسی و مطالعه امور وزارت مالیه توظیف مینمود و هیئات مذکور بعد از تحقیق همه جانبه مطابق اساسات علمی و مسلکی در مورد چگونگی امور وزارت مالیه و نیز اهلیت یا عدم اهلیت وزیر مالیه وقت مطابق قوانین نافذه و نیز با رعایت موازین مسلکی ابراز نظر مینمود ولی مطابق بند اخیر همین فرمان صدارت عظمی چنین تحقیق و تفتیشی صورت نگرفته بود. پس جناب صدراعظم در حالیکه شخصاً هیچگونه تخصص یا تجربه ای در امور مالی و اقتصادی نداشتند، روی کدام اساس قانونی و مسلکی بدون کدام سند و مدرک قانونی چنین نتیجه گیری نموده و وزیر مالیه وقت (عبدالملک خان) را در عهده وزارتش فاقد اهلیت دانسته اند؟

۲- اگر عبدالملک خان واقعاً در وظیفه محوله اش (وزارت مالیه) فاقد اهلیت میبود، پس چگونه توانست در طول دوره کاری خود (۱۳۳۲ - ۱۳۳۶) اصلاحات و تحولات آتی را در امور مالی، حسابی، بودجوی و عواید دولت بمیان آورد:

الف- عواید دولت که از زمان استرداد استقلال کشور (۱۲۹۸) الی (۱۳۳۳) با تغییر چند سلطنت و روی کار آمدن چندین کابینه طی (سی و پنج) سال مذکور از (۵۲۳) میلیون افغانی بیشتر نشده بود، ولی جناب عبدالرحیم زی طی ده ماه کاری خود (از ۲۸ سنبله ۱۳۳۲ الی ۲۶ سرطان ۱۳۳۳) بدون کدام تکس یا مالیه جدید آنرا (۲۱۸٪) نسبت به عواید سال گذشته افزایش بخشیده و عواید دولت به (۱۱۴۱) میلیون افغانی بالغ گردید، همچنان تزئید عواید در سالیان بعدی نیز ادامه یافته در سال ۱۳۳۴ نسبت به سال ۱۳۳۳ (۱۱۴/۱۸٪) و در سال ۱۳۳۵ نسبت به ۱۳۳۴ (۱۳۹/۱۰٪) و در سال ۱۳۳۶ نسبت به سال ۱۳۳۵ (۱۱۵/۹٪) افزایش یافت. [ارقام به استناد سالانه ۱۳۳۶ - ۱۳۳۷ افغانستان صفحه ۴۰۷ درج گردیده است]

ب- توازن بودجه و ترتیب حسابات قطعیه را که وزرای مالیه قبلی از جمله ناممکنات دانسته و کشور بعد از سال (۱۳۰۸) الی (۱۳۳۲) طی ۲۴ سال در حالت کسر بودجه مزمن قرار داشت و هیچ وزیر مالیه قبل از (۱۳۳۲) در طول این مدت ۲۴ سال موفق نگردیده بود تا یک بودجه متوازن را غرض تصویب به پارلمان کشور تقدیم بدارد. حسابات قطعیه دولت در طول عمر قانون اساسی آن زمان (۱۳۱۰ - ۱۳۳۲) اصلاً ترتیب نمیشد به این ترتیب مواد

(۴۳) - (۹۸) و (۹۹) قانون اساسی یاد شده عملاً در حالت تعلیق قرار گرفته بود. روی همین دلایل بود که حکومت قبلی همواره مورد انتقاد شدید پارلمان بوده و بودجه مرتبه شان به تصویب شورای ملی نمیرسید ولی جناب عبدالملک خان در ده ماه اول کاری خود موفق گردید تا همزمان با تزئید عواید یک بودجه متوازن و قانونمند را موافق با اصول و موازین علمی ترتیب و توأم با حسابات قطعیه سنه ماضیه به پارلمان تقدیم نماید که این کار وی مورد تقدیر و تمجید بی سابقه نمایندگان ملت قرار گرفته و وزارت مالیه را مرکز ریفورماسیون (اصلاحات) دولت نامیدند. [مجله شورای ملی شماره برج سرطان ۱۳۳۳ صفحه (۸۹)]

ج- غرض تنظیم و تسریع بهتر امور وزارت مالیه و رفع بی نظمی ها و خود سری ها بیشتر از (۲۵) سند تقنینی که شامل قوانین، لوایح، تعلیمنامه ها و اساسنامه های مختلفه بود، تدوین و بعد از طی مراحل قانونی آنها را به معرض تطبیق قرار داد و همچنان با در نظر داشت تجارب کشور های پیشرفته جهان و بخاطر ایجاد شفافیت در امور مالی و حسابی سیستم محاسبوی جدیدی را بنام سیستم مضاعف (Double Entry) در وزارت خانه ها و ادارات دولتی، تصدی ها و شرکت های دولتی و خصوصی ترویج و عملی نمود. [جریده زیرمه (ثروت) کلکسیون سال (۱۳۳۵-۱۳۳۶) و بیانیه عبدالملک خان به مناسبت سی و هفتمین سالروز استقلال در شب (۸ سنبله ۱۳۳۴) که از طریق امواج رادیو کابل پخش گردیده بود].

د- تشکیلات وزارت مالیه را موافق به اساسات علمی مدیریت معاصر مورد تجدید نظر قرار داده وظایف و صلاحیت های هر قدمه به اساس نظامنامه جدید تشکیل و وظایف آنوزارت و لوایح مربوطه آن تعیین و مشخص گردیده و همچنان بدون کدام روابط یا شناخت و یا خویش خوری کار به اهل کار سپرده شد. [نظامنامه تشکیل و وظایف وزارت مالیه و جراید و روزنامه های دولتی آنوقت].

۳- اگر عبدالملک خان در عهده اش بحیث وزیر مالیه فاقد اهلیت میبود پس چرا جناب صدر اعظم بتاریخ (۱۳۳۴/۱۱/۳) از حسن اجراءات موصوف تمجید نمود و ارتقای وی را از کفالت به مقام وزارت بحضور شاه وقت پیشنهاد و فرمان مقررری وی را حاصل کرد و همچنان بتاریخ (۳۰ اسد ۱۳۳۳) علاوه از عهده وزارت مالیه، کفالت وزارت اقتصاد ملی را نیز به وی محول نمود؟ [فرمان پادشاهی ۳۰۷۴ بر ۴۸۵۳ تاریخی ۳ دلو ۱۳۳۴ و شماره (۱۷) تاریخی (۳۱ اسد ۱۳۳۳) روزنامه اصلاح]

۴- اگر وزیر مالیه وقت (عبدالملک خان) نظر به ادعای جناب صدر اعظم در پیشبرد امور محوله کفایت و اهلیت لازمه را نداشت، روی چه دلیلی رئیس الوزرای وقت (مرحوم سردار محمد داؤد خان) در گزارش های اجراءات حکومت به مناسبت های مختلفه، خاصاً بیانیه شب (اول سنبله ۱۳۳۵) شان بخاطر تجلیل از سی و هشتمین سالگرد استرداد استقلال کشور از اجراءات و دستاورد های وزارت مالیه ستایش کرده، آنرا قناعت بخش و در عین حال بزرگترین ثابت کننده انکشاف کشور معرفی نمودند؟ [روزنامه انیس شماره (۱۲۸) تاریخ (۱۱ سنبله ۱۳۳۵) صفحه (۲)]

۵- در حالیکه عبدالملک خان با وجود دستاوردها و خدمات بی سابقه اش در امور مالی و حسابی کشور طبق فرمان صدارت عظمی یک وزیر فاقد اهلیت معرفی و به ایجاد کارشکنی ها و عدم نظم در امور وزارت مالیه و نیز شماری از همکارانش بدون اثبات جرم و بدون محاکمه به سوء اجراءات و رشوه ستانی متهم گردیده بودند، حال ببینیم که وزرای ماقبل و مابعدش کدام محاسن و برتری ها را نسبت به او (عبدالملک خان) داشتند که هیچکدام آنها مورد هیچ نوع اتهامی قرار ننگرفته و موقف های شان را تا اخیر حفظ نموده و بعضاً ارتقا هم نمودند.

الف- دوره قبل از عبدالملک خان:

طوری‌که در سطور گذشته ذکر شد، افغانستان از سال (۱۳۰۸ الی ۱۳۳۲) به کسر بودجه مواجه بود و عواید آن از زمان حصول استقلال الی مدت (سی و پنج) سال بعدی با وجود تغییر و تبدیل چندین وزیر مالیه از (۵۲۳) میلیون افغانی بیشتر نشده و هیچکدام از این وزراء به ساختن بودجه متوازن و حسابات قطعیه دولت موفق نگردیده بودند، در حالیکه کسر بودجه به درجه حاد خود قرار داشت، بلای دیگری بنام (مقیده) بعد از سال ۱۳۱۹ یعنی شروع جنگ جهانی دوم بدون کدام مجبوریت مالی و اقتصادی بر قرار گردید، بدین معنی که عوض (۱۰۰٪) مبلغ منظور شده ضرورت حقیقی دوائر از (۲۰٪) تا سی فیصد آن داده شده و متباقی (۷۰ تا ۸۰) فیصد آنرا بنام (مقیده) انکار میکردند. در حالیکه تناسب مذکور بروی ضرورت های پیش از شروع جنگ دوم جهانی بوده و در آوان جنگ نسبت بلند شدن نرخ اشیای بومی و متاع خارجی، ایجاب افزونی (۲۰۰-۳۰۰٪) بالاتر از تخمینات قبل از جنگ جهانی را مینمود که این مسلماً جلو پیشرفت و انکشاف مملکت را مسدود و پروژه های عمرانی دولت را به وقفه و تعویق مواجه مینمود. در امور عادی دولت هم نسبت عدم توازن کسر حاد بودجه و مقیده بازی ها، وقفه های بس بزرگ بار آمده، مردم روز به روز به سوی فقر، بیچارگی و بی روزگاری سوق میشدند [عبدالرحیم زی، عبدالملک، ارمان زندان صفحات ۸۷-۸۶].

پارلمان کشور که از دوره هفتم یعنی بعد از سال (۱۹۴۶) با کاندید شدن عده ای از منورین چون میر غلام محمد غبار، دوکتور عبدالرحمن محمودی و سایر روشنفکران وطندوست، قدرت نسبی یافته بود، در حالت نیمه آزادی با حکومت دست به یخ شده طی (۳۰) ماده اعتراضیه، همه ای آن بی قانونی ها و نواقص را که برآس آن همین کسر و عدم توازن بودجه، مقیده ها و نبود قانون محاسبات عمومی، قانون بودجه به شکل و ماهیت علمی و حقوقی آن، قانون حساب قطعیه و از این قبیل چیزها در سالیان متمادی بعد از سال (۱۳۰۸) رویکار بود، بروی حکومت کشیده اجراء و تطبیق آن مواد را دستور میدادند.

وزرای مالیه این دوره عبارت بودند از: میرزا محمد ایوب خان و میرزا محمد خان یفتلی در صدارت محمد هاشم خان و میر محمد حیدر خان حسینی، میرزا محمد نوروز خان و غلام یحی خان طرزی در صدارت شاه محمود خان.

ب- دوره بعد از عبدالملک خان:

به اساس تحلیل و ارزیابی که قبلاً در مورد اجراءات وزیر مالیه بعدی (عبدالله خان ملکیار) صورت گرفت، در این دوره هیچگونه ابتکار یا تحولی در امور وزارت مالیه به ملاحظه نرسیده و اگر به بیانات وزیرمالیه جدید، هنگام تقدیم بودجه های سالیان بعدی در شورای ملی رجوع شود، کشور ما بعد از سال (۱۳۳۹) باز هم به همان کسر بودجه قبل از سال (۱۳۳۳) دچار و حکومت این کسور را از طریق اخذ قرضه از دافغانستان بانک و نشر پول جدید جبریه مینمود که در نتیجه انفلاسیون و صعود نرخ ها را باعث و صدمات آنرا طبقه غریب و متوسط جامعه ما متحمل میگردد. عبدالملک خان هنگام عضویت در کابینه سردار محمد داؤد خان امور دو وزارت خانه مهم (مالیه و اقتصاد ملی) را به عهده داشت که بعد از او کار هایش بنا به تصمیم جناب صدر اعظم ذیلاً به سه نفر تقسیم گردید:

- وزارت پلان را که قبلاً یک شعبه وزارت اقتصاد ملی بود، شخصاً صدر اعظم بدست خود گرفته و عبدالحی خان عزیز که اصلاً خویشاوند قریب داؤد خان گفته میشد به معاونیت وزارت مذکور گماشته شد.
 - وزارت تجارت که آنهم یک شعبه دیگر از وزارت اقتصاد بود، بدست غلام محمد خان شیرزاد خویشاوند قریب دیگر صدر اعظم سپرده شد.
 - امور وزارت مالیه به عبدالله خان ملکیار که پدر زن (خسر) پسر داؤد خان و از اینطریق خویشاوند دیگر وی گفته میشد محول گردید.
- گویا بدین شکل همه آن کار های مالی و اقتصادی را که عبدالملک خان به تنهایی و موفقیت انجام میداد، بدست سه نفر اقارب جناب صدر اعظم یک صبیغه و طرز اداره فامیلی را بخود اختیار مینماید.

با آنچه تا اینجا گفته آمد، قضاوت را به خواننده محترم این سطور میگذارم که چرا وزرای قبل و بعد از عبدالملک خان با آنهمه بی تفاوتی ها و ناکامی های مشهود در اجراءات شان، فاقد اهلیت گفته نشده و هیچ اتهامی به آنها منسوب نگردیده و خلاف توقع موقف ها و کرسی های شان تا اخیر محفوظ و حتی به مقامات عالی تری هم ارتقا نمودند. ولی بر عکس عبدالملک خان با وصف زحمات شباروزی و ابتکارات بی سابقه اش در اصلاح امور مالی کشور، بدون کدام استناد و اثبات قانونی و بدون محاکمه عادلانه به ایجاد کار شکنی ها و عدم نظم و نیز عدم اهلیت در امور وزارتش متهم و به زندان سپرده میشود.

افغانستان شناس معروف اتریشی بنام ماکس کلیم بورگ در صفحات (۷۸ - ۸۱) کتابش بنام (افغانستان در تلاطم تاریخ آسیای میانه) که در سال ۱۹۶۶ از طرف سازمان یونسکوی ملل متحد به نشر رسیده بود، درینمورد چنین مینویسد:

«...وزرای خلف عبدالملک در وزارتخانه های مالیه و اقتصاد (بعداً تجارت) بحیث اقارب و خویشاوندان دودمان سلطنت که از اعتماد تام وی (محمد داؤد خان نویسنده) برخوردار بودند، قوه محرکه سلف خود را بکلی گم کرده بدون پروگرام اساسی یا کدام سر مشق عملی کار کردند. لہذا در ساحه اقتصاد بزودی حالت انجماد و بی نظمی ها رونما شد...».

ص- بررسی موضوع فرمان بدون نمبر و بدون تاریخ منسوب به شاه در فرمان صدارت

فرمان صدارت چنین ادامه مینماید «.....به این نتیجه رسیدم که دیگر شخص شما اهلیت این عهده را ندارید و بنابراین ان در اثر فرمان نمره (.....) حضور ملوکانه بشما ابلاغ میشود که از تاریخ این امر خود را از کرسی وزارت مالیه بر طرف بشناسید.....»

اگر فرمان فوق الذکر صدارت عظمی عنوانی عبدالملک خان بدقت مطالعه شود، متن فرمان مذکور، وجود فرمان سلطنتی را درینمورد نفی نموده و در نتیجه آن ثابت میشود که عبدالملک خان به اراده و تصمیم شخص صدراعظم و به فرمان صدارت عظمی (بدون موجودیت فرمان پادشاهی) از مقام وزارت مالیه معزول گفته شده است زیرا:

۱- در صورتیکه وزیر مالیه وقت به اساس فرمان سلطنتی برکنار شده بود، از نگاه قانونی از لحظه امضای فرمان توسط شاه، عبدالملک خان دیگر وزیر شمرده نمیشد. پس روی کدام دلیل قانونی در فرمان صدارت به وی «ع، ج

عبدالملک خان وزیر مالیه خطاب شده بود؟ این جمله خود نشان میدهد که عبدالملک خان تا لحظه صدور فرمان صدارت، وزیر برحال مالیه بود و مقام سلطنت وی (عبدالملک خان) را عزل نکرده بود.

۲- در قسمتی از فرمان صدارت به وزیر مالیه چنین امر شده بود که «..... از تاریخ این امر (امر صدارت نویسنده) خود را از کرسی وزارت مالیه برطرف بشناسید...» اگر فرمان پادشاهی در مورد عزل عبدالملک خان موجود میبود، قانوناً بانیست چنین ذکر میگردید که «از تاریخ فرمان سلطنتی از کرسی وزارت مالیه برطرف میباشید». مطابق قوانین نافذ آنوقت صلاحیت برکناری هیچ قدمه ای از مامورین دولتی به مقام صدارت تفویض نشده و عزل مامورین مسئول بعد از تحقیقات اصولی توسط محاکم ذیصلاح صورت میگرفت. لذا در مورد وزیر مالیه قانوناً ایجاب مینمود تا تحقیقات از وی متکی به حکم ماده (۸۲) قانون اساسی وقت توسط یک کمیته مسلکی و با صلاحیت تکمیل و در صورت اثبات جرم و خلاف ورزی ادعا شده، دوسیه نسبتی اش به محکمه ذیصلاح (دیوان عالی) احاله میگردد و بعد از صدور فیصله محکمه مذکور مبنی بر محکومیت وزیر مالیه، به اساس ماده (۷) قانون اساسی نافذ آنزمان فرمان برکناری او به توشیح شاه رسانیده میشد.

۳- همانطوریکه فرمان سلطنتی در مورد تقرر عبدالملک خان به کرسی وزارت مالیه مستقیماً عنوانی شخص خود وی نوشته شده بود، اگر او (عبدالملک خان) واقعاً به اراده شاه بر طرف شده بود پس روی کدام دلیل قانونی فرمان سلطنتی دایر بر معزولیت وی مستقیماً معنوی شخص خود وزیر مالیه شرف صدور نیافت؟

۴- چون ثبت فرامین شاهی و درج نمبر و تاریخ بالای آنها، وظیفه پادشاه نبوده، بلکه از جمله وظایف یومیه دفتر دارالتحریر شاهی وقت بود، اگر چنین فرمان بدون ثبت و بدون درج نمبر و تاریخ به مقام صدارت توصل ورزیده بود، صدر اعظم وقت چرا آنرا به دفتر دارالتحریر شاهی مسترد نکرد و خواهان ثبت و نمبر گذاری فرمان مورد ادعای منسوب به شاه نگردید؟ زیرا فرمان یا هر مکتوب رسمی بدون نمبر و بدون تاریخ قانوناً قابل اجراات شمرده نمیشود.

۵- اگر فرض کنیم که فرمان سلطنتی مبنی بر عزل عبدالملک خان از کرسی وزارت مالیه موجود و به دفتر شاهی ثبت و نمبر و تاریخ هم بالای آن درج شده میبود، مسئولیت ناشی از غیر قانونی بودن چنین فرمان در مطابقت به قانون اساسی و سایر قوانین نافذ، باز هم متوجه حکومت آنوقت میگردید زیرا:

الف- مطابق ماده (۷۶) قانون اساسی وقت که چنین صراحت دارد: *هریک از وزراء در سیاست عمومی دولت مشترکاً و در امور مؤظفه وزارت متعلقه خود مخصوصاً به نزد شورای ملی مسئول اند. بناءً علیه ذات شاهانه غیر مسئول میباشند.* نظر به همین ماده قانون حکومت از اتخاذ و تطبیق کلیه سیاست های خود در برابر شورای ملی مسئول ساخته شده و روی همین مبنای قانونی شخص شاه غیر مسئول شمرده شده بود، این بدان معنی بود که پادشاه در امور حکومت مستقیماً مداخله نکرده و فرامین مربوط به سیاست و اجراات حکومت را بعد از امضای عضو مسئول حکومت در مینوت آن، شاه فرمان را طور سمبولیک توشیح نماید تا در آینده در صورت بروز مسئولیت یا غیر قانونی بودن فرمان شاهی، حکومت در برابر مراجع قانونی جوابده باشد.

ب- تعامل مندرج ماده فوق در قوانین اساسی اکثر کشور های آسیایی و اروپائی دارای رژیم های شاهی در آن زمان وجود داشت و در قوانین اساسی دوره شاهی افغانستان نیز تسجیل گردیده است.

ج- اتهامات وارده علیه عبدالملک خان در متن فرمان صدارت بدون کدام تحقیق اصولی توسط شخص جناب صدراعظم وارد شده و تصمیم برکناری وزیر مالیه با ارائه این جمله که «.....به این نتیجه رسیدم که دیگر شخص شما اهلیت این عهده را ندارید....» باز هم توسط شخص جناب صدر اعظم اتخاذ شده بود.

روی دلایل فوق ثابت میگردد که فرمان عزل عبدالملک خان از مقام وزارت مالیه، اصلاً توسط پادشاه توشیح نگردیده و جمله «نظر به فرمان نمره (.....) حضور ملوکانه» در متن فرمان صدارت یک جمله کاملاً زاید و بدون مورد به مشاهده میرسد زیرا اجراءات در این زمینه به اعتبار تاریخ فرمان صدارت صورت گرفته و به تاریخ فرمان سلطنتی اتکا نگردیده است و چنین نتیجه گیری میشود که تسوید کننده فرمان به عقیده خودش کوشیده بود تا به این تصمیم و فرمان مقام صدارت صبغه قانونی داده و برای تبرئه صدراعظم، پای شاه را نیز درین موضوع بکشاند ولی نظر به استدلال قانونی فوق، اجراءات صدراعظم وقت در مورد غیر قانونی تلقی میگردد و وجود فرمان شاهی در رفع مسئولیتش کدام تاثیر قانونی داشته نمیتواند.

ط - ارزیابی جملات اخیر فرمان صدارت

فرمان یاد شده به این جملات خاتمه میابد «.....همچنان در مورد کار های مامورین مسئول تفتیش بعمل خواهد آمد و هر کدام مطابق نتایج تحت محاکمه گرفته خواهند شد....» اگر متن فرمان فوق الذکر دقیقاً مطالعه گردد، جناب صدراعظم در آغاز همین فرمان شان علیه وزیر مالیه و یکعهده مامورین آن وزارت اتهامات بدون ثبوت و بدون سند قانونی را وارد و در ختم فرمان به این حقیقت اعتراف مینمایند که تا لحظه صدور همین فرمان کدام تفتیش و تحقیقی درینمورد صورت نگرفته و موضوع به محکمه ذیصلاح احاله نه شده است.

طوریکه عملاً ملاحظه گردید و به روزنامه ها و جراید رسمی آنوقت دقیقاً نظر اندازی شد، بعد از صدور فرمان یاد شده صدارت هم هیچ نوع تحقیق و تفتیشی در مورد کارهای وزیر و مامورین فوق الذکر صورت نگرفته و موضوع یاد شده به هیچ محکمه ای محول نگردید، بلکه مامورین مذکور از سرطان (۱۳۳۶) الی آغاز دوره حکومت بعدی (دوکتور محمد یوسف خان) در یک حالت بی سرنوشتی و بلا تکلیفی قرار داشتند، بعداً تعدادی از آنها به وظایف دولتی مقرر و تعدادی باز هم به همان حالت بی سرنوشتی باقی گذاشته شدند که درینمورد میر عنایت الله (سادات) فرزند مرحوم میر عزیز الله (سادات) رئیس محاسبات وزارت مالیه دور عبدالملک خان که یکی از برطرف شده گان برج (سرطان ۱۳۳۶) بود، در صفحه (۱۱۵) کتاب شان افغانستان سرزمین حماسه و فاجعه - بن جرمنی (۱۹۹۹) چنین مینگارد: «..... چندی بعد (در دوره حکومت دوکتور محمد یوسف خان نویسنده) مجلس وزراء فیصله کرد: آن مامورین وزارت مالیه که در سال ۱۹۵۷ (۱۳۳۶ نویسنده) مطابق فرمان مقامات عالییه ای دولت برطرف شده اند، از همان وقت متقاعد شناخته میشوند و پول تقاعد به آنها داده شود. در تحریر این فیصله شماری از معاندین و حاسدین منجمله سید قاسم رشتیا که در آنوقت وزیر مالیه و منشی مجلس وزراء بود، نقش داشتند در این فیصله نه علت برطرفی آنوقت و نه علت تقاعد قبل از وقت آنها، آنها هفت سال بعد تذکر رفته بود.

پدرم در مشوره با سایر مغضوبین، این فیصله را قبول نکرد. او یک اعتراضیه قانونی ترتیب داده و به قدیر خان تره کی که در دوره انتقال رئیس قوه قضائیه مقرر شده بود، سپرد.

پس از مدتی ارگان عالی قضا فیصله کرد که بر طرفی این اشخاص نه به قوانین نافذ همانوقت و نه با قانون جدیداً نافذ دولت مطابقت دارد، لذا امتیازات ماموریت آنها از روز برطرفی الی امروز اعاده گردد.

پس از این فیصله پدرم دوباره شامل خدمت دولت شد و در کمیسیون اصلاحات اداری که به ریاست مرحوم نور احمد خان اعتمادی تاسیس شده بود، عهده دار ریاست کمیته مالی و اقتصادی گردید...» [مهرین، نصیر، کودتا ها در تاریخ افغانستان چاپ اول بنگاه انتشارات میوند کابل صفحه (۷۷)]

فیصله ارگان عالی قضا که یقیناً بعد از بررسی و مطالعه دقیق کلیه سوابق موضوع صادر شده بود، به برائت همه متهمین این قضیه مهر تائید گذاشته و غیر حقیقت بودن اتهامات وارده علیه آنها را به اثبات میرساند، ولی اگر باز هم ادعا شود که در اجراءات حکومت وقت اصل قانونیت رعایت گردیده و همانطوریکه جناب صدراعظم در بیانیته شام (اول سنبله ۱۳۳۶) شان به ملت و عده داده بودند که متهمین یاد شده، مورد بازخواست قانونی قرار خواهند گرفت پس متکی به فرمان صدارت عظمی و اعلامیه های تاریخی (۱۴ و ۱۹ سرطان ۱۳۳۶) حکومت وقت سوالات آتی قابل پاسخ دانسته میشود:

(۱) - در حالیکه هیچگونه تحقیق و تفتیشی در اجراءات مامورین مظنون صورت نگرفته و حکومت کدام سند قانونی مبنی بر اثبات ادعای خود در دست نداشت، روی کدام اصل شرعی و قانونی وزیر مالیه به ایجاد کار شکنی ها و عدم نظم و مامورین آنوزارت به سوء اجراءات و رشوه ستانی متهم گردیدند؟

(۲) - به ملاحظه احکام شرعی و مواد قوانین نافذ وقت، برائت ذمه حالت اصلی بوده و متهم تا وقتی که به حکم قطعی محکمه با صلاحیت محکوم علیه قرار نگیرد، بیگناه شناخته میشود. در حالیکه این قضیه به هیچ محکمه ای رویت داده نشده و هیچ فردی از متهمین فوق الذکر به حکم کدام محکمه محکوم علیه قرار نگرفته بود، روی کدام مسئله شرعی و حکم کدام قانون، وزیر و مامورین یاد شده، در چنین حالتی طبق فرامین صدارت عظمی به طرد ماموریت که شدیدترین مجازات ماموریت شمرده میشود، محکوم شدند؟

(۳) - مطابق ماده ۸۶ اصولنامه مامورین ملکیه وقت، عزل هیچ مامور دولت اعم از عالیرتبه تا پائین رتبه، بدون تحقیقات اصولی و بدون حکم محکمه ذیصلاح جواز نداشت، پس جناب صدراعظم روی کدام صلاحیت قانونی، وزیر مالیه و مامورین آن وزارت را بدون کدام تحقیق و بدون حکم محکمه بفرمان صدارت عظمی معزول نمودند؟

(۴) - اگر حکومت وقت در جمله دلایل برکناری عبدالملک خان از کرسی وزارت مالیه، یکی را هم اتهام سوء اجراءات و رشوه خواری مامورین آنوزارت قلمداد مینمود و این اتهامات را حقیقت میدانست، پس چرا مطابق قانون، تحقیقات اصولی را انجام نداده و موضوع را به محکمه ذیصلاح احاله ننمودند؟ تا بعد از صدور حکم قطعی محکمه با صلاحیت، در مورد سرنوشت وزیر مالیه، یک تصمیم قانونی و عادلانه اتخاذ میگردید.

نتیجه گیری از متن فرمان شماره (۲۴۷۸) مورخ ۱۳۳۶/۴/۱۴ صدارت عظمی و اعلامیه های تاریخی (۱۴ و ۱۹ سرطان ۱۳۳۶) حکومت وقت

با در نظر داشت دلایلی که بعد از تحلیل و بررسی همه جانبه فرمان صدارت و اعلامیه های فوق الذکر حکومت وقت، در سطور قبلی با تفصیلات لازمه آن ذکر گردید به نتایج آتی واصل میشویم:

۱- وزیر مالیه و مامورین آنوزارت مطابق احکام ماده (۸۶) قانون اساسی وقت، مورد تحقیق قرار نگرفته و بدون موجودیت اسناد اثباتیه و بدون دلایل موجه و قانونی به جرایم و تخلفات وظیفوی متهم گردیده و موضوع نسبتی آنها به هیچ محکمه ای غرض فیصله احاله نگردیده.

۲- مطابق احکام مواد (۸۶) و (۹۱) اصولنامه مامورین ملکیه آنوقت طرد از ماموریت دولت بعد از تحقیقات اصولی از صلاحیت محاکم شناخته شده و به ملاحظه قوانین نافذه وقت، در هیچ حالتی صلاحیت عزل هیچ ماموری به مقام صدارت عظمی تفویض نگردیده بود. ولی خلاف احکام قوانین نافذه وقت، وزیر و مامورین فوق الذکر، بدون کدام تحقیق و عدم موجودیت اسناد اثباتیه و نبود فیصله قطعی محکمه ذیصلاح، به حالت بی گناهی به اساس فرمان صدارت عظمی از وظایف شان برکنار شده اند.

۳- تطبیق مجازات طرد از ماموریت به اساس ادعاهای بدون ثبوت و بدون تائید محکمه باصلاحیت و همزمان نشر چنین اتهامات غیر قانونی علیه اشخاص فوق الذکر در رادیو و نشرات دولتی وقت در حالت برائت و بیگناهی و آنهم از طرف مقامی که قانوناً حایز چنین صلاحیت نبود، هتک حرمت و تجاوز صریح به حقوق مادی و معنوی متهمین مذکور شمرده میشود.

۴- در مورد فرمان بدون نمبر و بدون تاریخ منسوب به شاه که قبلاً دلایل کافی ارائه گردید، ولی با مطالعه دقیق و استنباط از متن فرمان صدارت باید اینقدر علاوه نمود که صدراعظم وقت ممکن موضوع برکناری عبدالملک خان را از عهده وزارت مالیه با مقام سلطنت در میان گذاشته باشد ولی نسبت عدم ارائه دلایل و اسناد قانونی نتوانسته قناعت شاه را در این زمینه حاصل کند و پادشاه وقت بنا بر همین اسباب موافق نگردیده تا با وجود عدم مسئولیتش طبق قانون اساسی وقت، بالای همچو فرمان غیر قانونی صحه گذارد. بنأ صدراعظم داود خان خلاف همه قوانین نافذه کشور، خودش به عزل وزیر مالیه اقدام نموده، ولی دانشمند محترم جناب داکتر سید عبدالله کاظم در قسمت اخیر مقاله شان تحت عنوان (تأملی بر محتوای دو سند تاریخی در رابطه با موضوع عبدالملک خان عبدالرحیم زی) کوشیده اند تا ثابت کنند که گویا بر طرفی وزیر مالیه به اساس فرمان پادشاه صورت گرفته و چنین استدلال مینمایند: «...وقتی ادعا میگردد که داود خان به تنهایی به عزل ملک خان اقدام کرده است، چنین کاری را صدراعظم نمیتوانست از نظر قانونی انجام دهد و وزیر بدون موجودیت همچو فرمان از مقام برکنار شده نمیتوانست. در اینجا نقش صلاحیت پادشاه مطرح میشود که اگر فرمان عزل را صادر نکرده و صدراعظم خود سرانه به عزل وزیر اقدام کرده است، پادشاه باید صدراعظم را متوجه تخطی قانونی او میساخت و جلو عزل غیرقانونی وزیر را میگرفت این خود نشانه واضح از آنست که پادشاه با اینکار موافق بوده و از نظر رسمیات باید بر طبق ایجابات قانونی چنین فرمانی را مبنی بر عزل وزیر صادر کرده باشد...»

در مورد اینکه صدر اعظم از نظر قانونی نمیتوانست به تنهایی به عزل وزیر مالیه اقدام نماید، با جناب داکتر صاحب کاملاً موافقم، ولی جریان طوری واقع شد که صدراعظم به اساس فرمان (۲۴۷۸) مؤرخ (۱۳۳۶/۴/۱۴) شان وزیر مالیه را معزول و وزیر موصوف همزمان با تسلیمی فرمان یاد شده، از شاه تقاضای عدالت کرده و کتباً درخواست نمود تا موضوع وی را به محکمه دیوان عالی ارجاع نماید. [عبدالرحیم زی، عبدالملک، ارمغان زندان صفحات (۱۹۰-۱۹۱) و صحبت نویسنده با مرحوم عبدالملک خان]. اما حکومت وقت بتاریخ (۱۶ سرطان ۱۳۳۶) عبدالملک خان را به اقدام

کودتا علیه رژیم متهم کرده و چند روز بعد روانه زندان نمود. طبعاً اتهام جدید موضوع قبلی را تحت الشعاع خود قرار داده و این ضرورت را که پادشاه بعد از صدور فرمان صدارت، باید صدراعظم را متوجه تخطی قانونی او نموده و جلو عزل وزیر را بگیرد، منتفی نمود.

از جانب دیگر طوریکه اکثریت مؤرخین به شمول جناب داکتر صاحب کاظم این را تأیید کرده اند که محمد ظاهر شاه در (۳۰) سال اول سلطنتش (دوره های صدارت محمد هاشم خان ، شاه محمود خان و محمد داؤد خان) در امور حکومت مداخله نکرده و با وجود داشتن صلاحیت های معین مطابق قانون اساسی وقت، عملاً قدرت آنرا نداشت تا بدون توافق حکومت های وقت، این صلاحیت ها را به اراده و تصمیم شخص خود اعمال نماید. پس در این حالت شاه چگونه میتواند صدراعظم وقت (محمد داؤد خان) را متوجه تخطی قانونی اش نموده و جلو عزل غیرقانونی عبدالملک خان را بگیرد؟

۵- فرمان صدارت و اعلامیه های فوق الذکر حکومت سراسر حاوی اتهامات بدون دلایل و بدون اثبات قانونی یعنی افتراء و بهتان علیه متهمین قضیه (وزیر مالیه و مامورین آنوزارت) بوده و با دلایلی که فوقاً ارائه گردید، هیچ جز و فقره آن با احکام قوانین نافذ وقت مطابقت ندارد و به فحواى این گفته مردم ما که (آب زور سر بالا می رود)، کدام توجیه دیگری برای آن سراغ شده نمیتواند.

این فرمان و اعلامیه های مربوط آن به اثبات میرساند که ارباب اقتدار درین کشور حتی میتوانند خدمتگاران لایق و صادق وطن را هم به زعم خود شان به جرایم ناکرده متهم کرده و بدون رعایت احکام قوانین مملکت از صحنه خارج نمایند و به این ترتیب آن فرموده جناب صدراعظم بحیث قوی ترین عضو خانواده سلطنتی که در نامه تاریخی (۹ سرطان ۱۳۴۱) شان عنوانی اعلیحضرت محمد ظاهر شاه متذکر شده بودند. «... قوانین مملکت هر چه باشد در نظر آنها (خاندان شاهی) بیش از چند کلمه بی معنی دیگر ارزش ندارد...» در طرز اجراء خود شان مصداق عملی میباشد.

(ادامه دارد)